

نقش نهادهای آموزشی (دانشگاه و مدارس) در ایجاد و گسترش امنیت اجتماعی

سروگل تقی پور

کارشناس ارشد آموزش و بهسازی منابع انسانی

چکیده

امنیت از گذشته تاکنون همواره به عنوان موضوعی که بقا و تداوم تمدن ها بدان منوط بوده است مطرح شده است. امنیت اجتماعی ممکن است در یک کشور به اشکال گوناگون به مخاطره بیفتد، از جمله به وسیله ی تهدیدات بیرونی و با وجود یک دشمن خارجی و یا به وسیله ی توطئه و تهدیدات داخلی و سیاستهای تفرقه اندازی بین عموم مردم. ایران نیز از دیرباز در معرض تهدید انواع نامنی های اجتماعی بوده است. از این رو توسعه و گسترش امنیت اجتماعی امری ضروری محسوب می شود. با توجه به اینکه یکی از بهترین، علمی ترین و روشن ترین راه های ایجاد امنیت اجتماعی از طریق نهادهای آموزشی نظیر دانشگاه ها و مدارس ایجاد می شود لازم است این نهادها بطور مؤثر به این مهم توجه نمایند. تحقیق حاضر با روش توصیفی-تحلیلی بر آن است تا نقش این نهادهای آموزشی را به طور دقیق روشن نماید و از آن در جهت پیشنهادهایی در امر توسعه ی امنیت اجتماعی بردارد.

کلمات کلیدی: امنیت، امنیت اجتماعی، نهادهای آموزشی.

مقدمه

از ابتدای شکل گیری زندگی اجتماعی، انسان ها همواره با مسأله ی محافظت خود در مقابل خطرات و تهدیدات بیرونی و درونی مواجه بوده اند. در واقع تمامی افراد و ملت ها برای رسیدن به آمال و اهداف خود نیازمند تأمین محیطی آرام و باثبات بوده و هستند.

امنیت از گذشته تاکنون همواره به عنوان موضوعی که بقا و تداوم تمدن ها بدان منوط بوده است مطرح شده است. امنیت از جمله مفاهیم پیچیده ای است که ارائه ی تعریف واحدی از آن به سادگی میسر نیست. امنیت پیش از آن که مقوله ای قابل تعریف باشد، پدیده ای ادراکی و احساسی است؛ یعنی این اطمینان باید در ذهن توده ی مردم، دولت مردان و تصمیم گیران به وجود آید که برای ادامه زندگی بدون دغدغه، امنیت از ضروریات جوامع می باشد. (کاظمی، ۱۳۵۲: ۱۷)

بی تردید یکی از مهم ترین و اساسی ترین نیازهای انسان تأمین امنیت است؛ به طوری که بدون وجود امنیت هیچ برنامه ای در داخل کشور قابل اجرا نیست (امیر انتخابی، ۱۳۸۴: ۷۲) اما در این خصوص امنیت ملی مفهومی جدیدی است که با پیدایش پدیده ی دولت های ملی پدیدار شده و در انواع مختلف امنیت اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی نمود پیدا کرده است (روشندل، ۱۳۷۴: ۳) و این مسأله باعث شده که دولت و ملتها در خصوص ابعاد مختلف امنیت به برنامه ریزی و چاره اندیشی همت گمارند.

در این میان مقوله ی امنیت اجتماعی به عنوان یکی از ارکان امنیت ملی، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، بعد از پایان جنگ سرد مورد توجه قرار گرفته است. در همین راستا جامعه ی ایران نیز همچون سایر جوامع، همواره با مسأله ی "امنیت اجتماعی" و تلاش در جهت ارتقای آن روبرو بوده است.

امنیت اجتماعی ممکن است در یک کشور به اشکال گوناگون به مخاطره بیفتد، از جمله به وسیله ی تهدیدات بیرونی و با وجود یک دشمن خارجی و یا به وسیله ی توطئه و تهدیدات داخلی و سیاستهای تفرقه اندازی بین عموم مردم (صالحی امیری و جوینده، ۱۳۸۷: ۱۲) ایران از دیرباز به دلیل ویژگی های خاص فرهنگی، سیاسی و جغرافیایی همواره در معرض تهدیدات داخلی و خارجی قرار داشته و دارد. بخصوص با روند رو به رشد توسعه ی شهرنشینی و گسترش نهادهای جدید اجتماعی نیز ابعاد و زوایای جدید به خود گرفته است.

به دلیل شرایط خاص اقلیمی حاکم بر ایران، مسأله ی امنیت در این کشور بسیار مهم و حائز اهمیت به نظر می رسد. قرار گرفتن ایران در مسیر راه های تجاری عمده و اهمیت این کشور به عنوان محل تلاقی راه های بازرگانی و تجاری عمده جهان و پل ارتباط دهنده ی سه قاره ی مهم جهان - اروپا، آسیا و آفریقا - از یک سو و پراکندگی قومیتی و اختلاط دائمی فرهنگ ها از سوی دیگر و وجود خرده فرهنگ در سراسر ایران، آن را به عرضه ی نزاع های داخلی و خارجی تبدیل ساخته است (همان منبع: ۱۳) به دلیل عوامل ذکر شده و با توجه به تغییر و تحولات شتابناک و آنی جهان امروز، مسأله ی امنیت اجتماعی امروزه در ایران به عنوان یکی از مهم ترین مسائل اجتماعی مطرح است و ارائه ی راهکارهای معقول، منطقی و علمی در جهت این امر را می طلبد.

از این رو بروز مسائل خاص بیرونی مانند تهدیدات بین المللی و مشکلات خاص درونی از جمله فقر، تورم، انحرافات و آسیب ها و چالش های اجتماعی ما را با مخاطرات عدیده ای مواجه نموده و مسأله ی "امنیت اجتماعی" را تحت شعاع خود قرار داده است.

در چنین شرایطی است که نمی توان از نقش بسیار مهم نهادهای علمی، آموزشی و فرهنگی در مقابله با این قبیل مشکلات چشم پوشی کرد. از جمله مهم ترین نهادها و ارگانی که می تواند با تربیت قشر تحصیل کرده ی جامعه به ارتقاء سطح امنیت اجتماعی جامعه کمک نماید، آموزش و پرورش است.

بنابراین نظام آموزش و پرورش باید طوری تنظیم شود که نسل های آینده با انگیزه ی صحیح و بر اساس استعداد و علاقه بتواند متغیرهای هویتی و فرهنگی را درک کرده و گام های موفقیت را به خوبی بردارند. در واقع برنامه ریزی آموزش و پرورش باید به گونه ای باشد که پاسخ گوی نیازمندی های منطبق با استانداردهای جهانی باشد تا بر اساس آن بتواند به وسیله ی

کتاب درسی و برنامه های پرورشی، فرهنگ بومی و ملی را به جامعه انتقال دهد و رهیافت نوینی در زمینه ی هویت ملی ارائه کند و نیز این اصل را بپذیرد که تأمین امنیت در تمامی ابعاد نیازمند آموزش و پرورش کارآمد است (شاه حسینی، ۱۳۸۶)
تحقیق حاضر به دنبال بررسی مسأله ی امنیت اجتماعی و نقشی که آموزش و پرورش در این امر ایفا می کند، باشد تا از این رهگذر به ارائه ی پیشنهادهای کاربردی به تقویت هر چه بیش تر امنیت اجتماعی کشور کمک نماید.

تعاریف امنیت

« امنیت به معنای اولیه ی آن یعنی صیانت نفس، و از جمله مسائلی است که « دولت » به خاطر آن به وجود آمده است، به این معنی که ضرورت اساسی ایجاد و تأسیس دولت، استقرار و حفظ امنیت در اجتماع بوده است. البته بحث امنیت در هر زمانی، معنای خاصی داشته است؛ گاه تنها معنای « حفظ جان و صیانت نفس » (در اندیشه های هابز) داشته و زمانی دیگر، « حفظ اموال و دارایی » (اندیشه ی لاک) به آن اضافه شده است (یاراحمدی، مترجم، ۱۳۸۱: ۶۲).

امنیت از جمله مفاهیم پیچیده ای است که ارائه ی تعریفی واحد از آن به سادگی میسر نیست. امنیت پیش از آنکه مقوله ای قابل تعریف باشد، پدیده ای ادراکی و احساسی است؛ این بدان معناست که باید در افراد و ملت ها این زمینه ی ذهنی امنیت به وجود آید و آن ها با امنیت خاطر به ادامه زندگی امیدوار باشند (کاظمی، ۱۳۵۲: ۱۱۷)

به زعم اندیشمندان حوزه ی علوم سیاسی، همان گونه که ناامنی مطلق وجود ندارد، سخن گفتن از امنیت مطلق هم دقیق نخواهد بود؛ از این رو امنیت همانند خطر، کیفیتی نامشخص است، امری نسبی است، نه مطلق (آزگوبد^۱، ۱۹۸۳: ۴۴۳)
بنابراین ادراکی و نسبی بودن امنیت، مبین این نکته است که امنیت مبتنی بر اصول و قواعدی است که چنان چه نباشد بحث ناامنی به وجود می آید.

امروزه معنای امنیت علاوه بر مسایل جانی و مالی و حوزه های متفاوت آزادی، مشارکت سیاسی، تأمین اشتغال و رفاه و حتی بهره گیری از اوقات فراغت و برآوردن استعدادها و کسب علم، آگاهی و دانش و هم چنین کسب مهارت های زندگی را شامل می شود (صالحی امیری و جوینده، ۱۳۸۷: ۱۵) البته میزان و محدوده ی این موضوعات و حوزه ها، متناسب با بینش و اندیشه ی نظام های سیاسی، نظام های فرهنگی و نوع آن ها می باشد.

از آن جا که بحث تأمین امنیت جامعه وظیفه ی دولت است، بر این اساس متولیان این امر موظفند امنیت را به معنای نسبی آن به وجود آورده و ادراک افراد جامعه ای را به سمتی هدایت نمایند که در محیطی امن و آرام به زندگی بپردازند.

تعریف اجتماع

اجتماع در لغت به معنای گرد آمدن، جمع شدن و گردهم آبی آمده است. گروهی که با هدف و یا اهدافی مشترک دور هم جمع شده اند، یکی شدن و اتحاد (انوری، ۱۳۸۱). اجتماع در اصطلاح به گروه کوچک یا بزرگ و یا به واحدهایی با اجزایی که کوچک ترین جزء آن، یک فرد می باشد گفته می شود. این واحد و یا گروه دائماً در حال تغییر است و ثبات دائم ندارد. این افراد در اجتماع برای زندگی گروهی خود آماده می شوند که در نتیجه آن همنوایی گروهی حاصل می شود و این همنوایی به اجتماعی شدن منجر می گردد. اجتماعی شدن انسان، بدان معناست که انسان با ارزش ها و نگرش ها، هنجارها و عادات موجود در جامعه همسو و هم جهت شود. لذا در این فرایند، افراد ارزش ها و نگرش ها و مهارت ها را در جامعه می آموزند و به مرور زمان در گسترش روابط اجتماعی هویت واقعی خود را بدست می آورند و نقش های خاصی را در آن جامعه ایفا می کنند. در این فرایند خانواده، مدرسه، دانشگاه ها، افراد محله، همکلاسی ها و . . . نقش مهمی را برعهده دارند (انصاری راد، کبیری، ۱۳۷۹: ۳۲)

نظریات دانشمندان و فلاسفه راجع به امنیت

• افلاطون

افلاطون خواهان جامعه ای آرمانی یا مدینه فاضله ای است که در آن همه مردم از امنیت اجتماعی برخوردار باشند. او معتقد است: نباید اجازه داد در مردم و جامعه یکی از قوا بر دیگری پیشی بگیرد؛ زیرا هم در فرد و هم در جامعه تزلزل و انحطاط به میان خواهد آمد و امنیت ناپدید خواهد شد. لذا برای تأمین امنیت اجتماعی و رفاه باید به سلاح علم و حکومت مجهز شد (دادور، ۱۳۸۱).

• ارسطو

ارسطو خواستار نظم، آرامش، امنیت و وضع قوانین معتدل در جامعه بود و می گفت: سوداگری، پول پرستی و افراط در ثروتمندی، فرزندان ناشایست بر جای می نهد و زمینه اصلاح، بازسازی و امنیت را از بین می برد. ارسطو معتقد بود: در بعد سیاسی اگر عده ای از مردم - توده ها یا اشراف جامعه - احساس مظلومیت کنند، علیه وضع سیاسی موجود شورش خواهند کرد. اگر اشراف حاکم باشند و نابرابری سیاسی برقرار گردد، شورش خواهند کرد. اما اگر در جامعه برابری سیاسی برقرار باشد و اشراف به این امر اعتقاد یابند که حقشان ضایع شده است و با افراد معمولی یکسان دانسته شده اند، آنگاه احساس مظلومیت کرده و علیه وضع سیاسی ظالمانه شورش خواهند کرد. همین شورش ها امنیت داخلی جامعه را از بین می برد (همان منبع)

• اگوست کنت

کنت معتقد بود عامل ایجاد عدم تعادل ساختاری تغییر در ارزش ها و باورهاست؛ چنان که تغییر در ذهنیت جامعه منجر به عدم تعادل ساختاری در نظام اجتماعی می گردد. از نظر کنت، نظم و توافق اجتماعی تصادفی نیستند، بلکه مانند پدیده های دیگر تابع قوانینی هستند که برای هر دوره معینی حدود و خصلت کنش اجتماعی را با یک قطعیت تام، تعیین می کنند (همان منبع).

• جان لاک

بر اساس اندیشه های لاک، انسان دارای دوگونه حیات است: حیات جاویدان که از روح نشأت می گیرد و حیات زودگذر که مردمان در این جهان بواسطه آن زندگی می کنند. لاک در ارتباط با این دو حیات، سه عامل دولت، کلیسا و فرد را با نشان دادن مرزها و قلمروهایشان معرفی می کند. دولت بایستی برای خیر عمومی تلاش کند، کلیسا در خصوص تنظیم دستورات مذهبی و برپایی مراسم عبادی مسئولیت دارد و افراد می باید خود راه های رستگاری ارواحشان را جستجو نمایند. به نظر لاک این وظیفه دولت است که از علایق مشترک مردم در کشور، نگهبانی و از ارتقاء منافع مدنی آنان حراست نماید. لاک می گوید: منافع مدنی را من در حیات، آزادی، سلامتی، دارایی و راحتی بدن و همچنین تملک اشیاء خارجی مانند پول، سرزمین، خانه، وسایل زندگی و مانند اینها می دانم.

وی معتقد است: مقصود از صلح و امنیت تنها آن نیست که زنده بمانیم، بلکه منظور دستیابی به رفاه، آسایش و ایجاد حقوق شخصی است که حق طبیعی ما محسوب می شود. به عقیده لاک وظیفه دولت به عنوان زمامدار جامعه، تلاش برای برآوردن نیازهای مردم نه تنها در حوزه امنیت شخصی و آزادی بلکه در تأمین امنیت اموال و دارایی های آنهاست. به عبارت دیگر حوزه قدرت دولت به تمامی در مواظبت از منافع مدنی مردم منحصر و محدود نمی شود و دولت نمی تواند در قلمرو روان مردمان مداخله نماید (همان منبع).

دیدگاه صاحب نظران در حوزه امنیت اجتماعی

• مولار

امنیت اجتماعی مقوله ای است که افراد و دولت به همراه یکدیگر در تأمین آن سهیم و شریک هستند و از این رو به تدریج و همگام با غیر قابل تفکیک شدن منافع دولت و جامعه از یکدیگر، همین حالت در خصوص ناامنی آن دو نیز مصداق پیدا می کند. مولار بین امنیت اجتماعی و سیاسی تفکیک قائل است و تأکید دارد که امنیت اجتماعی را می توان به عنوان کی مفهوم فرضی برای هر جمع انسانی به کار برد و آن را عبارت می داند از قابلیت حفظ شرایط قابل پذیرش داخلی برای تکامل الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، انجمن ها، مذهب، هویت ملی و رسوم او معتقد است امنیت اجتماعی به بقای گروه های اجتماعی توجه

دارد ولی امنیت سیاسی به ثبات سازمانی کشورها، نظام های دولتی و ایدئولوژی هایی که به دولت ها و حکومت ها مشروعیت می بخشند، می پردازد.

• باری بوزان

بوزان معتقد است: هر عامل و پدیده ای که باعث اختلال در احساس تعلق و پیوستگی اعضای گروه گردد در واقع هویت گروه را به مخاطره انداخته است و تهدیدی برای امنیت اجتماعی قلمداد می گردد. بدین جهت است که بوزان مفهوم ارگانیکیتی امنیت اجتماعی را هویت دانسته و امنیت اجتماعی را مترادف امنیت هویت تلقی می نماید.

همچنان که ذکر شد بوزان بر مفهوم امنیت اجتماعی به عنوان مفهوم هویت تأکید دارد ولی در این باره از واژه societal استفاده کرده و یادآور می شود که امنیت اجتماعی نباید همانند تأمین اجتماعی در نظر گرفته شود؛ چرا که تأمین اجتماعی درباره افراد و به طور گسترده تر در اقتصاد مطرح است ولی امنیت اجتماعی درباره جمع های بشری و هویت آنها است و به سطح افراد و به طور اخص به پدیده های اقتصادی قابل تقلیل نیست.

در واقع امنیت اجتماعی یک موضوع هویتی و نوعی تئوری مطرح در روابط بین الملل است که در جستجوی جنبه های اجتماعی است. مراد از ناامنی اجتماعی، موقعیت هایی است که در آن گروه های مهمی در یک جامعه احساس می کنند مهاجرت، واگرایی یا امپریالیزم فرهنگی هویت آنها را به خطر انداخته است. در گذشته هرگاه ملیتی بدین شیوه ها احساس تهدید می کرد می توانست از دولتش بخواهد تا به طور مقتضی بدان پاسخ دهد. با کدر شدن مرزها به نظر می رسد که این امر دیگر امکان پذیر نیست، اما می توان تهدیدات هویتی را با تقویت مستحکم و عمیق هویت و فرهنگ پاسخ داد.

در این میان مرتن معتقد است: اگر اهداف فرهنگی و وسایل اجتماعی در جامعه ای کارکرد مناسب و هماهنگی با هم داشته باشند، یقیناً در آن جامعه نظم وجود دارد و الگوی تطابق مردم در زندگی، یک الگوی هم نوایانه خواهد بود. حال اگر این هماهنگی نباشد؛ یعنی بین فرهنگ و اجتماع از لحاظ کارکردی، ناهماهنگی پیش بیاید، آنگاه شاهد ناهمنوایی در میان مردم و رواج انحرافات خواهیم بود (عبداللهی، ۱۳۸۱).

نکته قابل توجه دیگر آنکه اگر نظم اجتماعی در جامعه ای به جای صبغه فرهنگی و آموزشی، صبغه سیاسی به خود گیرد و ابعاد اجتماعی فرهنگی (ابعاد نرم) آن ضعیف شوند به همان نسبت نیز روابط بین کنشگران در تمام سطوح جامعه بر اساس سوگیری عاطفی و خاص گرا به صورت دوست و دشمن تعریف می شود و به همان نسبت میزان اعتماد اجتماعی متقابل تضعیف یافته نیز، تضعیف شده و حلقه امنیتی آنها برجسته می شود. در چنین وضعیتی در غیاب طراوت فرهنگی اجتماعی، انسان ها جهت پاسخ گویی به نیازهای خود از روی اجبار به صورت حیوانات سیاسی با یکدیگر رابطه برقرار می نمایند، رابطه ای که به بیان هگلی رابطه ارباب و نوکری است و ملاک حق نیز صرفاً، زور است (پورمقیم، ۱۳۷۵: ۷۵).

نهادهای آموزشی و امنیت اجتماعی

نهاد را معمولاً نظامی از تشکیلات، ارزش ها، شیوه های قومی، آداب و رسوم قوانین می دانند که نقش آن استقرار رفتارهای مناسب برای ایفای کارکردهای اساسی در یک جامعه است (فیضی، ۱۳۸۱: ۱۴۷)

از نظر جامعه شناسی هر نهاد اجتماعی مجموعه ای از اصول و مقررات در جامعه است که بر رفتار انسان حکومت می کند و سرپیچی از آن مشکل و گاهی غیر ممکن است. به علاوه هر نهاد اجتماعی عهده دار چند وظیفه دائمی و همیشگی است. بعنوان مثال، نهاد آموزش و پرورش چند وظیفه مهم نظیر: انتقال فرهنگ، اجتماعی کردن، گزینش و تخصص، نظارت بر ارزش ها، یگانگی و نظم و مانند آن را در طول تاریخ به عهده داشته است.

منظور از نهادهای آموزشی همه ساختارها، قواعد هنجاری و سازمان هایی است که عهده دار یک یا چند بخش از وظایف و کارکردهای نهادی آموزش و پرورش هستند، مانند مدارس و دانشگاه ها که بخش بزرگی از وظایف نهادهای آموزش به حفظ نظم و آرامش و امنیت اجتماعی جامعه مربوط می شود. کارل مانهایم معتقد بود: تعلیم و تربیت عبارت است از استفاده برنامه

ریزی شده از انواع فراوان نیروها و نهادهای اجتماعی تا بتوان شخصیت های آزادمنش را که برای تضمین یگانگی جامعه لازم هستند به وجود آورد (صبور، مترجم، ۲۳: ۱۳۸۰)

غیر از همه مواردی که اشاره شد، امنیت خود دارای ابزار و لوازمی نیز هست که این ابزارها عبارتند از:

- ۱- خشونت و زور (ابزارهای نظامی و قوه قهریه)
- ۲- آموزش و پرورش
- ۳- تغییر شرایط و رفع موانع نیازهای اولیه انسانی
- ۴- مقررات و قوانین
- ۵- عرف و سنت، ارزش ها و هنجارهای اجتماعی
- ۶- عقاید مذهبی و احکام مذهبی
- ۷- قواعد اخلاقی
- ۸- منزلت، مکان و موقعیت اجتماعی (اساتید، معلمان، بزرگان دینی و سیاستمداران)
- ۹- الگوهای تربیتی عاطفی-احساسی
- ۱۰- وسایل ارتباط جمعی

مطابق موارد فوق تنها یکی از ده ابزار امنیتی، ابزارهای نظامی و قوه قهریه است و مورد دیگر به امور اجتماعی، فرهنگی و فردی باز می گردد.

به گفته پارسونز، دورکیم و ماکس وبر، هر دو معتقدند: عمیق ترین ارزش های جامعه، ارتباط نزدیکی با نهادهای مذهبی در جامعه دارند، همچنین به اعتقاد هر دوی آنها، مذاهب مجهز به وسایلی جهت ایجاد وفاق در جامعه هستند (انصاری، ۱۳۷۹: ۴۷)

نهادهای آموزشی از طریق تعلیم و تربیت نونهالان، نوجوانان و جوانان یک جامعه و در مراتب بعدی، اجتماعی کردن و باز اجتماعی کردن مردم نقش بسیار مهمی در برقراری، حفظ و نظارت بر امنیت اجتماعی جامعه دارند. نهادهای آموزشی حتی برای مردم مرزهای امنیت و آسایش را تعریف و با انواع راهکارهای آموزشی به آنان القاء می کنند.

درون «مقوله» امنیت، بحثی قابل طرح است که به بعد داخلی امنیت برمی گردد؛ یعنی مسائلی که در حوزه های متفاوت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، حقوقی و قضایی، افراد جامعه با آن مواجهه هستند. آنها در چارچوب بحث «امنیت اجتماعی» قابل بررسی هستند.

گاه ممکن است جایگاه امنیت فردی در مقابل امنیت جامعه مورد سؤال قرار گیرد. «امنیت فردی»، آرامش و آسایشی است که فرد بدون در نظر گرفتن امکانات جامعه و دولت، برای خود فراهم می کند. اما «امنیت اجتماعی» عبارت است از آرامش و آسودگی خاطری که جامعه و نظام سیاسی برای اعضاء خود ایجاد می کند (دلفروز، مترجم، ۱۳۸۰: ۱۱۶)

به طور کلی «امنیت اجتماعی» به قلمروهایی از حفظ حریم فرد مربوط می شود که به نحوی در ارتباط با دیگر افراد جامعه هستند و به نظام سیاسی و دولت مربوط می شود. این قلمروها می توانند زبان، نژاد، قومیت، اعتبار، نقش اجتماعی، کار، درآمد، رفاه، مشارکت سیاسی، آزادی، اعتقاد، کسب مهارت زندگی، میزان کسب آگاهی و دانش و غیره باشند.

نقش نهادهای آموزشی در یکپارچگی امنیت

امنیت یکپارچه به معنی یگانگی اندیشه ها، رفتارها، برخوردها و ارزش های فردی با مجموعه ای از مقوله های فکری، هنجارها و ارزش های اجتماعی است؛ چرا که امنیت اجتماعی به معنی اجتماعی شدن و هویت یافتن نیز است. تربیت و ایجاد رفتارهای مناسب و هنجار در جامعه به عقیده کنفوسیوس بر اساس یکسری اصول اخلاقی بنا نهاده شده است، او معتقد است: باید بکوشیم تا بر خویشتن غالب آییم، به اندیشه های خود پی ببریم و در تلاش برای حقیقت، کاملاً صمیمی

باشیم. او بیان می کند: وقتی یک فرد به آرامش برسد، می تواند زندگی خانوادگی خود را نیز منظم سازد. در صورتی که زندگی خانوادگی هماهنگ باشد، استان ها پیشرفت می کنند و امپراطوری ها در آرامش به سر می برند (بویدوی، ۱۹۸۷). به مدد نهادهای آموزشی، نگرش بدبینانه افراد نسبت به جامعه، به نگرشی یکپارچه و خوش بینانه تبدیل می شود. تقسیم کار آموخته شده، پذیرش وظایف، نقش ها و ارزش ها از جمله مواردی است که در ساختن امنیت پایدار اخلاقی و سازمان یافته جامعه نقش ایفا می کند. مهم ترین عنصر یکپارچه شدن امنیت، آموزش نهادی و آموزش رسمی است. یکی از کارکردهای مهم آموزش رسمی یا مدرسه و دانشگاه، ایجاد نظم و انضباط اخلاقی در دانش آموختگان است که زمینه ساز یکپارچگی امنیت و احترام به حقوق دیگران در جامعه فردا را فراهم می کند.

مطابق آنچه تاکنون بیان شد، مقوله امنیت اجتماعی بیشتر از آن که به ابزارهای امنیتی و چگونگی حفظ یا حراست از آن مربوط باشد، با نهادهای آموزشی و تربیتی در ارتباط است. همان چیزهایی که آحاد جامعه در زمینه حفظ نظم، آرامش و امنیت عمومی در ابعاد مختلف شغلی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آموخته اند.

هیچ نظام سیاسی و یا قوه قهریه ای در سطح جامعه قادر به تأمین امنیت اجتماعی جامعه بدون حمایت و کمک نهادهای دیگر از جمله نهادهای مذهبی و آموزشی نیست. با این همه برخی از موضوعات و اصولی که ارایه شد را می توان تحت عنوان عوامل و اصول تأمین امنیت اجتماعی که غالباً به وسیله نهادهای آموزشی تأمین و اشاعه می شود، محسوب کرد. به نظر دورکیم نظم اجتماعی که با تهدید و ارباب و خشونت زیاد در یک جامعه به دست می آید، تنها مادامی در جامعه و گروه های اجتماعی باقی خواهد ماند که همین ابزارها ناظر بر اجرای ابعاد مختلف امنیت اجتماعی آن باشند. اما چنانچه مردم به مدد آموزش های درونی، مدارس، شبکه های تولید دانش و دانشگاه ها آن را پذیرفته باشند، در این صورت پایدار و ماندگار خواهد ماند.

امنیت، خود به انواع گوناگون دیگری هم تقسیم می شود که از آن جمله می توان به امنیت اقتصادی، امنیت سیاسی، امنیت اجتماعی، امنیت جغرافیایی، امنیت ملی و بین المللی اشاره کرد. با توجه به این که تأکید اصلی این پژوهش بر امنیت اجتماعی می باشد به صورت خاص، صرفاً به تعریف این مقوله می پردازیم:

- پیش بینی و تدارک کمک دولت برای تأمین نیازهای مردم در نتیجه بیماری، بیکاری و سالمندی.
- مصون بودن و حالت فراغت عموم افراد جامعه از تهدیدات و یا اقدامات خلاف قانون (آقابخش، افشاری راد، ۱۳۷۹: ۵۵۰)
- مصونیت عموم افراد جامعه از تهدیدات داخلی که از جمله می توان به مسئله شغل، مسکن، تأمین اجتماعی و غیره اشاره کرد (رادمهر، ۱۳۸۵: ۴۷)
- میزان دسترسی عموم مردم برای کسب دانش و آگاهی های اجتماعی و میزان همبستگی و تعاملات اجتماعی.

جمع بندی و نتیجه گیری

به طور کلی می توان گفت: این تحقیق در جهت شناخت مولفه های امنیت اجتماعی و توصیف و تبیین پیامدهای مثبت و تأثیرگذار مراکز آموزش عالی، دانشگاه ها و شبکه های تولید دانش به عنوان ابزارهای اساسی و مهم در ایجاد نظم و امنیت پایدار اجتماعی و ارتقاء سطح آن انجام شده است.

بر اساس مطالب ارائه شده انسان ها در مجموع موجودات اجتماعی هستند و مجبورند با هم در اجتماعات انسانی زندگی کنند. زیست جمعی، مجموعه ای از ارزش ها و قواعدی که افراد با یکدیگر مرتبط می سازد. در حیات اجتماع هیچ چیز طبیعی نیست، ارزش ها و قواعد باید توسط اعضاء جامعه پذیرفته شوند، تا جایگاه مدنی حیات اجتماعی حفظ شود. آزادی حقوق و امتیازات افراد در چارچوب های اجتماعی معنادار می شوند. آزادی ای که موجد مسئولیت و ارتباط اجتماعی نیست، آزادی راستین تلقی نمی شود. بنابراین تمامی جوامع مجبورند قیودی بر آزادی انسان ها بگذارند. این قیود موجد نظم و امنیت

- ۱- جوانان را برای احراز مشاغل تخصصی مهیا کنند.
- ۲- از طریق ارتقاء سطح دانش، سطح تکنولوژی را به طور مداوم افزایش دهند.
- ۳- موجب می شود تحولات اجتماعی تعمیق و تکامل یابد و مرحله گذار از جامعه سنتی به جامعه صنعتی تسهیل شود و افراد در پذیرش تکنولوژی های نوین و ارزش های تازه منعطف تر شوند.
- ۴- مرزهای دانش را هر روز گسترده تر ساخته و افق روشن تری را نمایان سازند.
- ۵- اختراع، اکتشاف و نوآوری را کثرت بخشند.
- ۶- مساحت و پهنای اندیشه و تفکر را وسعت دهند.
- ۷- شرایط محیطی را بهبود و فضای بهتری را برای زندگی اقشار مختلف بوجود آورند.
- ۸- موجب می شوند دولت با فراغت بیشتری بتواند به خدمات گوناگون خود در جامعه بپردازد.
- ۹- به ارتقاء سطح بهداشت کمک می کنند.
- ۱۰- هر قدر سطح تحصیلات والدین در جامعه بیشتر باشد باعث کوچکتر شدن ابعاد خانوار و نهایتاً به کاهش نرخ جمعیت بدون هیچ هزینه ای برای دولت می شود.
- ۱۱- هر قدر سطح تحصیلات مردم بالا باشد، تخصیص مطلوب تر منابع و صرفه جویی مقیاس بیشتری را در پی خواهید داشت.
- ۱۲- باعث جلوگیری از انحرافات و چالش های اجتماعی، تنش های اخلاقی و روحی و مهاجرت های عمیق در کشور شده است.
- ۱۳- اختصاصاً سطح رفاه و کیفیت زندگی خانواده ها را افزایش دهند و به ایجاد انگیزه کارآفرینی در بین آنها کمک کنند.
- ۱۴- فرهنگ عمومی مردم را افزایش دهند و نگرش های خرافی را تغییر داده و به صفر برسانند.
- ۱۵- منزلت و مکان اجتماعی را ارتقاء بخشیده و اطلاعات فرهنگی - اجتماعی و علمی جوانان را بالا برده و حضور جوانان دانش آموخته در صحنه های فرهنگی و اجتماعی را پر رنگ تر کرده است.

منابع و مآخذ

۱. آقابخشی، علی؛ راد، مینو (۱۳۷۹). فرهنگ علوم سیاسی، تهران: چاپار.
۲. امیر انتخابی، شهرود (۱۳۸۴). فرصت ها و تهدیدها در مسأله ی امنیت ملی ایران: با تأکید بر محور انگلستان، فصلنامه ی راهبرد، شماره ۳۷.
۳. پاتنام، رابرت (۱۳۸۰). دموکراسی و سنت های مدنی، ترجمه ی محمدتقی دلفروز، تهران: نشر سلام.
۴. پورمقیم، سیدجواد (۱۳۷۵). اقتصاد بخش عمومی، تهران: نشر نی.
۵. دادور، بهزاد (۱۳۸۱). بنیادهای نظریه اجتماعی، تهران: نشر نی.
۶. رادمهر، شیما (۱۳۸۵). میزان سرمایه اجتماعی مملکتان منطقه ی ۱۰ تهران، پایان نامه ی کارشناسی ارشد مطالعات زنان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
۷. روشندل، جلیل (۱۳۷۴). امنیت ملی و نظام بین المللی، تهران: سمت.
۸. صالحی، رضا؛ جوینده، حیدر علی (۱۳۸۷). بررسی نقش و جایگاه دانشگاه آزاد اسلامی در امنیت اجتماعی، فصلنامه پژوهش های فرهنگی و اجتماعی، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.

9. Boadway.O. (1987). Imublic sector Economics. T inthorp. Inc.